

## ملاحظات مرزی و امنیتی در نسخه خطی «کتابچه دستورالعمل راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی به والی کرمانشاه و کردستان (1309 ه.ق)»

شهاب شهیدانی<sup>1</sup>، پروین رستمی<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1396/03/11  
تاریخ پذیرش: 1396/04/22

از صفحه 1 تا 20

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ نظامی  
سال چهارم، شماره سیزدهم، تابستان 1396

### چکیده

ایران در آستانه دوره‌ی قاجار در روند مناسبات بین‌المللی قرار گرفت و چند مسئله ارضی برای آن ایجاد شد. تکلیف مرزهای مختلف در صدر دوره قاجار و تا دوره ناصرالدین‌شاه تقریباً مشخص شد. ایران و عثمانی دارای مناسبات دیرپا بودند و عمدتاً در مناطق مرزی کشاکش‌های طولانی باهم داشتند. چالش‌های مرزی در این دوره هم تداوم یافت که عمدتاً در قالب تکاپوهای دیپلماتیک جلوه‌گر شد. افزون بر تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک، این اختلافات در قالب برخی کتابچه‌های مربوط به اختلافات مرزی نگاشته شد. نسخه خطی «کتابچه دستورالعمل راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی» در سال 1309 ه.ق. و حاوی دستورالعمل و تعلیماتی برای امیرنظام، والی کرمانشاه، کردستان، صاین‌قلعه و گروس است که به‌صورت محرمانه فرستاده شده بود. هدف از نگارش این رساله کمک به حفظ حدود و احقاق حق ایران در مقابل ادعاهای مأمورین عثمانی جهت ملاحظات امنیتی و استراتژیکی بود. در این پژوهش ضمن بررسی اختلافات سرحدی ایران و عثمانی به شیوه توصیفی-تحلیلی به معرفی و تحلیل نسخه خطی کتابچه دستورالعمل و مسائل سرحدی پرداخته شده است. بر این اساس سؤال اصلی این است؛ در کتابچه دستورالعمل، وضعیت سرحدی غرب کشور در اواخر دوره ناصری چگونه است؟ یافته‌های پژوهش نشان داده است که محتوای این نسخه با توجه به توضیحات داخل متن حاوی اطلاعات امنیتی، جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی جهت حفظ مرزهای غرب کشور در مقابل عثمانی و توصیه‌هایی جهت حفظ و آبادانی مناطق غرب کشور به حاکم وقت است.

### کلید واژه‌ها

ایران، عثمانی، امیرنظام، سرحد، کرمانشاه، کردستان.

1- استادیار تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول): Shahidani.sh@lu.as.ir  
2- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی: Parvin.Rostami@yahoo.com

## 1. مقدمه

با توجه به رقابت‌های میان روس و انگلیس و فشارهایی که از جانب آنان به کشور ایران وارد می‌شد، حدود مرزهای ایران در دوره قاجاریه بسیار کاهش یافت. نخستین بار توسط عهدنامه ترکمانچای بود که قسمت وسیعی از ایران در این دوره در قفقازیه منتزع شد و مبنایی برای دیگر معاهده‌ها قرار گرفت. روسیه، انگلیس و عثمانی - با حمایت این دو کشور - برای دستیابی به مقاصد و منافع خود تمامیت ارضی ایران را نقض کردند و با توجه به ضعف دولت قاجار، عملاً علیه این دول عکس‌العمل خاصی انجام نگرفت. در دوره ناصرالدین‌شاه نیز طی معاهداتی که بین این دول و ایران بسته شد، تقریباً آخرین دست‌اندازی‌ها به مرزهای ایران صورت گرفت و از وسعت آن کاسته شد. تحدید حدود در قسمت‌های غربی ایران در پی اختلافاتی که با عثمانی وجود داشت و همچنین مداخلات نمایندگان کشورهای انگلیس و روسیه انجام گرفت. اختلافات ایران و عثمانی در زمینه‌های سیاسی، مذهبی و ارضی بود و اختلافات ارضی همواره تحت‌الشعاع مسائل سیاسی قرار می‌گرفت و لذا زمینه برای مداخله کشورهای روسیه و انگلیس تحت عنوان حکمیت فراهم گردید. تلاش می‌شد که اختلافات مرزی از طریق دیپلماتیک و سیاسی کاهش یابد و به توافقی در این زمینه دست پیدا کنند و مرزهای ایران و عثمانی که تا این دوره به‌صورت کاملاً روشن مشخص نشده بود، تعیین شود؛ اما این دعوای مرزی تا سال 1331 ه.ق ادامه می‌یابد و در این سال با امضای پروتکلی سرحدات دو کشور تعیین می‌شود.

با توجه به این روابط دیپلماتیک، مکتوباتی در قالب سفرنامه‌ها و کتابچه‌ها در رابطه با خطوط سرحدی در غرب کشور نگارش یافت که برای نمایندگان حاضر در کمیسیون‌های سرحدی نوشته شدند و دعوای سرحدی ایران و عثمانی و حقانیت ایران را در این دعوای نشان می‌دادند. در این رساله‌ها نحوه رفع اختلافات سرحدی، از حیث موارد امنیتی که ممکن بود ایجاد شود، لازم و ضروری بود. نسخه خطی که پژوهش حاضر سعی در معرفی آن است، کتابچه دستورالعملی است که جهت والی کرمانشاه و کردستان نوشته شده است. «کتابچه دستورالعمل راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی برای والی کرمانشاه و کردستان» در سال 1309 ه.ق نگاشته شد. این کتابچه موارد سرحدی و نقاط سرحدی برای برقراری امنیت در همسایگی ایران با عثمانی را

بسیار جزئی و دقیق مشخص کرده است و هر جا شبهه‌ای از سوی ایران و عثمانی نسبت به نقاطی وجود داشته با دلایل و مستندات دو طرف، در مورد آن توضیح داده شده است. این کتابچه برای امیرنظام ارسال می‌شود و به او توصیه می‌شود که جهت حفظ امنیت و عدم تعرض عثمانی به حدود سرحدی ایران، این کتابچه راهنمای او در مقابل ادعاهای مأمورین عثمانی باشد. این کتابچه به صورت نسخه خطی است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و دارای نکات بسیار جزئی و دقیق و ارزنده‌ای از نظر سیاسی، ارضی، اقتصادی و اجتماعی در مورد مناطق غربی کشور است.

در این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی مسائل و اختلافات سرحدی در کرمانشاه و کردستان میان ایران و عثمانی و استدلال‌های دو کشور بررسی شده است. درباره این موضوع، پژوهش مستقلی انجام نشده است. منابع و کتاب‌هایی به اختلافات مرزی ایران و عثمانی پرداخته و یا اشاره داشته‌اند، اما به صورت کلی اختلافات مرزی را آورده‌اند و شامل نقاط مرزی نیستند. از نمایندگان دول حاضر در کمیسیون‌های سرحدی، سفرنامه‌هایی در رابطه با حدود مرزی ایران و عثمانی باقی مانده است. سفرنامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله نماینده ایران با نام «رساله تحقیقات سرحدیه» به چاپ رسیده است که حاوی مناقشات با دولت عثمانی و واقعه محمره و قرارداد ارزنه‌الروم و مسائل راجع به حدود ایران و عثمانی در غرب ایران طی جلساتی که با نمایندگان عثمانی و روسیه و انگلیس داشت به‌عنوان خاطرات و گزارشی از جلسات تعیین حدود با دقت نگاشته است. وی که از مصب شط‌العرب تا کوه آرات را طی کرده، شرح این مأموریت و مسائل و سوابق مربوط به این سرحدات را گزارش کرده است. اما در این رساله موارد مرزی به صورت کلی بررسی شده است. کتاب چریکف نماینده‌ی روسیه با نام «سیاحتنامه مسیو چریکف» به طبع رسیده است که از منابع و مأخذ مهم در رابطه با پژوهش‌های جغرافیایی و مردم‌شناسی است. هرچند در این رابطه اطلاعات ذی‌قیمتی ارائه می‌دهد اما باینکه نماینده دولت روسیه در کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی است، به مسائل سرحدی و اختلافات ایران و عثمانی در این زمینه نمی‌پردازد و راه‌ها، مسیرها، شهرها، آداب‌ورسوم، شیوه‌ی زندگی و غیره را توصیف می‌نماید و «سیاحت‌نامه‌ی درویش پاشا» نماینده عثمانی هم به چاپ رسیده است. نگارش کتابچه دستورالعمل که به صورت نسخه خطی و چند سال بعد از این رساله

نگاشته شده است، نشان‌دهنده تداوم اختلافات مرزی در غرب کشور با عثمانی است و درعین حال کتابچه دستورالعمل اختلافات سرحدی به مسائل مرزی بسیار جزئی‌تر پرداخته است.

## 2. اختلافات سرحدی ایران و عثمانی

اختلافات و چالش‌های سیاسی میان ایران و عثمانی چندین قرن وجود داشت که یکی از مهم‌ترین مصداق‌های آن اختلافات سرحدی بود. بعد از دوره صفویه همچنان اختلافات سیاسی و ارضی بسیاری وجود داشت که در دوره افشاریه با عهدنامه سال 1159 ه.ق. میان نادرشاه افشار به‌وسیله وکیل و نماینده ایران حسن‌علی‌خان و سلطان محمودخان اول والی بغداد با نمایندگی مأمور عثمانی، احمد پاشا منعقد گردید؛ اما اختلافات سرحدی حل‌نشده باقی ماند. مناقشات ایران و عثمانی در قرن سیزدهم هجری صورت دیگری به خود گرفت و از حساس‌ترین مسائل تاریخی و سیاسی ایران گردید. علل اصلی این امر، موضوع اختلافات سرحدی، مسئله اتباع ایرانی در بین‌النهرین، سوءرفتار عمال عثمانی با زوار ایرانی و حمایت عثمانی‌ها از اشرار و یاغیان متجاوز به ایران بود. در این اختلافات سرحدی، دولت‌های روس و انگلیس به حکمیت آمدند و تمام حکمیت‌هایی که در موضوع رفع اختلافات مرزی ایران به عمل آمد به ضرر ایران تمام شد (آدمیت، 1334: 35).

در سال 1237 ه.ق به‌واسطه بی‌احترامی که عثمانی‌ها در مکه به زوار ایرانی نمودند، بین دولت‌های ایران و عثمانی کار به جنگ انجامید. شاهزاده محمدعلی میرزا حاکم کرمانشاهان از این شهر مأمور شد که بغداد را تصرف نماید و وقتی که نزدیک بود شهر بغداد را مفتوح نماید، به بیماری وبا مبتلا شد و درگذشت (مارکام، 1367: 60). بعد از وی، عباس میرزا ولیعهد، شهرهای بایزید و توپراک قلعه را تسخیر کرد و نیروی دیگری نیز به یاری عده‌ای از بزرگان پناهنده آناطولی که سلطان اموال و املاکشان را مصادره کرده و امیدوار بودند با کمک ایرانیان موقعیت گذشته را بازبند به یاری عباس میرزا آمدند (تاریخ ایران کمبریج، 1389: 292/7). این حملات مرزی به جنگ با عثمانی منجر شد. ایران در این درگیری‌های مرزی موفق بود. حملات ایران به بغداد و شهرزور بود و لشکری بایزید را تسخیر کرد و سپس به‌طرف ارزروم و بیتلیس و دیار بکر پیشروی کردند.

عثمانی‌ها با این حملات مجبور به پذیرش صلح شدند (shaw, 1977: 2/16) و معاهده ارزنه‌الروم در سال 1238 ه.ق بین دو دولت منعقد گردید، به این شرط که ایرانی‌ها ولایاتی را که فتح کرده بودند مسترد کنند و عثمانی‌ها دست از بدرفتاری بردارند. این عهدنامه به سال 1239 ه.ق در تهران مبادله گردید (مهندس باشی، 1348: 16).

مواد معاهده ارزنه‌الروم از لحاظ تعیین نوار مرزی دو دولت و مشخصات جغرافیایی نقاط سرحدی چندان واضح و قطعی نبود و در مقدمه معاهده فقط اشاره شده بود به این‌که حدود دولتین همان حدودی باشد که در عهدنامه سال 1159 ه.ق تعیین شده است. بدین ترتیب مرزداران عثمانی می‌توانستند برای دست‌اندازی و تجاوز به خاک ایران بهانه‌هایی به دست آورند خاصه که وجود ایلات و عشایر مرزی که عادت به بیلاق و قشلاق داشتند، ایجاد چنین بهانه‌هایی را تسهیل می‌کرد.

روابط سیاسی ایران با عثمانی، پس از معاهده ارزنه‌الروم به وسیله تأسیس نمایندگی سیاسی در خاک یکدیگر رو به بهبود گذاشته بود و سفیر ایران در استانبول، میرزا جعفرخان مشیرالملک شد که بعداً به مشیرالدوله ملقب گردید. در سال 1253 ه.ق موقعی که دولت ایران در محاصره هرات و تسخیر آنجا سرگرم بود، محمّره مورد تجاوز حکمران بغداد علی‌رضاپاشا قرار گرفت و ادعای مالکیت آنجا از طرف دولت عثمانی را داشت. در سال 1254 ه.ق اعلام استقلال طلبی عبدالله پاشا بابان، حکمران سلیمانیه و دست‌نشانده ایران که از اجرای فرمان حکومت مرکزی سرپیچیده و چندین بار دست به نهب و غارت اموال مرزنشینان کردستان زد، اختلافات مرزی تشدید شد و هر دو کشور برای جنگ آماده شدند که کمیسیون حل اختلافات با حکمیت سفرای روس و انگلیس تشکیل گردید، اما با مرگ سلطان محمودخان دوم تا روی کار آمدن سلطان عبدالمجید اول (1255-1277 هجری قمری) معوق ماند. قرار بود بار دیگر کمیسیونی با سفارت مشیرالدوله تشکیل شود، اما چون وی بیمار شد میرزا تقی‌خان وزیر نظام (امیرکبیر) را فرستادند (شمیم، 1374: 203-207).

در جریان حکمیت نمایندگان روس و انگلیس، انگلیس از عثمانی حمایت می‌کرد و مخالفت آن‌ها برای تعیین حدود ایران و عثمانی وجود داشت و مخالفتشان هم عللی داشت؛ یکی آنکه میان دو همسایه همیشه اختلاف باقی بماند تا اهدافشان را دنبال کنند و دوم چون حمله به خاک عثمانی از حدود آذربایجان سهل‌تر از حدود قارص

است و از این رو مایل بودند که حدود آذربایجان همیشه در دست عثمانی‌ها باشد (ساسانی، 1354: 287). منافع دولت روسیه مخصوصاً در آذربایجان بود و منافع آن ایجاب می‌نمود حتی‌الامکان مانع شود نقاط سوق‌الجیشی به تصرف دولت عثمانی درآید. هر قدر انگلستان در موضوع اختلاف سرحدی علناً از عثمانی‌ها جانب‌داری می‌نمود دولت روسیه نیز علی‌رغم آن دولت از ایران طرفداری می‌کرد (معتمد، بی‌تا: 50). در کمیسیون‌های سرحدی 1259-1263-1265-1269-1293 ه.ق که از طرف نمایندگان ایران و عثمانی تشکیل شد و نمایندگان روس و انگلیس نیز به‌عنوان دول واسطه حضور پیدا کردند، نتیجه‌ای حاصل نشد (ساسانی، 1354: 287). مذاکرات کمیسیون در هیجده جلسه و متجاوز از سه سال طول کشید و موافقتی در تعیین حدود، میان مأمورین ایران و عثمانی حاصل نشد و عاقبت مقرر گردید، عهدنامه جدیدی منعقد شده، مدار معاملات دولتین با یکدیگر بر طبق مدلول آن عهدنامه باشد. این بود که بعد از مذاکرات طولانی در تاریخ 16 جمادی‌الثانی سال 1263 ه.ق، مواد نه‌گانه دومین عهدنامه ارزنه‌الروم، مابین محمدشاه و سلطان عبدالمجید توسط میرزا تقی‌خان وزیر نظام و انور افندی نماینده عثمانی منعقد گردید (مهندس باشی، 1348: 23؛ اعتمادالسلطنه، بی‌تا: 1672/3-1673).

به‌موجب معاهده ارزنه‌الروم دولت ایران تعهد می‌کند که تمام اراضی منطقه زهاب یعنی تمام اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی تسلیم نماید و دولت عثمانی نیز تعهد می‌کند که جانب شرقی زهاب یعنی تمام اراضی کوهستانی آن را با دره کرند در اختیار دولت ایران قرار دهد و دولت ایران از ادعا در مورد شهر و ولایت سلیمانیه صرف‌نظر می‌نماید و دولت عثمانی نیز تعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و اراضی ساحل شرقی سمت چپ شط العرب که در تصرف عشایر متعلق به ایران است به مالکیت در تصرف دولت ایران باشد و کشتی‌های ایران به آزادی تمام در تمام طول شط العرب تا آنجا که خط مرزی دو کشور به شط منتهی می‌شود رفت‌وآمد کنند. برای تعیین خسارات جنگ (و غرامت هجوم پاشای بغداد به محمره) کمیسیونی تعیین نمایند (سپهر، بی‌تا: 106/3، اعتمادالسلطنه، بی‌تا: 1680-1683). بعد از امیرکبیر، از جانب دولت ایران میرزا جعفرخان مشیرالدوله معروف به مهندس باشی که سابقاً سفیر ایران در دربار عثمانی بود به نمایندگی در کمیسیون تحدید حدود

انتخاب گردید. مشیرالدوله مردی بصیر و آشنا به امور مملکت بود. از طرف دولت عثمانی درویش پاشا و از طرف دولت انگلیس ریاست هیئت نمایندگی به عهده‌ی ویلیامز و معاون او گلاسکت واگذار شد. ریاست هیئت نمایندگی دولت روسیه به عهده‌ی چریکف محول گردید. مذاکرات میرزا جعفرخان مشیرالدوله و درویش پاشا و نمایندگان روس و انگلیس و عملیات مأموران و مهندسان در برداشتن نقشه و تعیین خطوط سرحدی غربی ایران از اوایل سال 1265 ه.ق تا اواسط سال 1271 ه.ق به طول انجامید (چریکف، 1358: 5).

نمایندگان روسیه و انگلیس پس از سه سال و کسری شرکت در کمیسیون حل اختلاف به این نتیجه رسیدند که توافق بین نمایندگان عثمانی و ایران امکان‌پذیر نخواهد بود و به همین جهت تصمیم گرفتند که از کوه آغری کوچک (آارات کوچک) تا مصب شط‌العرب در خلیج فارس را نقشه‌برداری کنند و خط سرحد و نقاط مرزی را روی نقشه تعیین نمایند. نماینده ایران با این پیشنهاد موافقت نمود لیکن درویش پاشا آن را رد کرد و کمیسیون منحل گردید و مشیرالدوله به تهران بازگشت. چند سال بعد از تهیه نقشه، روسیه خود را برای جنگ با عثمانی آماده نمود (شمیم، 1374: 216). در سال 1294 ه.ق بین روسیه و عثمانی جنگ درگرفت. دولت ایران در این موقع به روس‌ها نزدیک شده و اردوی خود را در سرحدات غربی آذربایجان تقویت کرد و عثمانی‌ها مجبور شدند، قسمتی از نیروی خود را در صفحات وان نگاه‌دارند. به این جهت، وقتی که دولت عثمانی از روسیه شکست خورد و معاهده سان استفانو (ژانویه 1878 م) منعقد گردید و به دنبال آن بر اثر اعتراضات انگلیس کنگره برلن تشکیل شد، میرزا حسین‌خان سپهسالار از طرف دولت ایران در آن کنگره به نمایندگی رفت و با فشار روس‌ها فصل شصت‌ام معاهده برلن مقرر داشت که عثمانی شهر قطور و اراضی آن را موافق تصدیق نمایندگان انگلیس و روس که مأمور تعیین حدود بودند به دولت ایران واگذار کنند (آدمیت، 1334: 413). این شهر در سال 1265 ه.ق به تصرف عثمانی درآمد، اما با این حال همچنان تا سال 1292 ه.ش / 1332 ه.ق قطور مورد اختلاف بین ایران و عثمانی بود و تصمیمی در مورد عبور مرز از طریق این استان شمالی گرفته نشده بود (BOUNDARIES v. With Turkey, Encyclopaedia Iranica, 416).

تجاوزات عثمانی به مناطق سرحدی ایران تا تعیین قطعی سرحدات در سال 1331 ه.ق. همچنان ادامه داشت (نصیری، 1372: 113) و حتی در گزارش سفارت روسیه به عثمانی به این تجاوزات سرحدی اشاره شده است که دولت عثمانی در مناطقی از آذربایجان که تحت تصرف درآورده‌اند، مبادرت به تأسیس ادارات و گمرک خانه کرده‌اند و این وضع تأسیسات روسیه را از مجرای طبیعی خود منحرف ساخته است و باعث خسارت به تجار روسی شده است و متعاقب تصرف اراضی از جانب دولت عثمانی و تقسیم مجدد آن‌ها در میان افرادی که به زراعت اشتغال دارند و یا به نوعی با زراعت در رابطه‌اند تا حد زیاد موجب خسارت اتباع دولت روسیه شده است (همان: 180-181). در سال 1330 ه.ق که جنگ جهانی اول در پیش بود، دولت روس برای استحکام قفقازیه در برابر نقشه‌های آلمان و عثمانی خواستار تعیین خطوط سرحدی گردید. لذا به اصرار دول واسطه، دولت‌های ایران و عثمانی نمایندگان خود را تعیین نمودند و در مدت 9 ماه مذاکره، نمایندگان به نتیجه نرسیدند. همین‌که دول واسطه از نتیجه مذاکرات دول همسایه مأیوس شدند در بیستم رجب 1330 سفارت روس و وزارت خارجه انگلیس در لندن به سفیر کبیر عثمانی یادداشتی داده و تقاضا کردند که به فوریت قشون عثمانی ولایات و نواحی ایران را که اشغال کرده است تخلیه نماید و خط سرحدی با ایران را هر چه زودتر معین کرده و از طرفه رفتن پرهیز کند. این قضیه ادامه داشت تا 17 ذی‌الحجه 1331 ه.ق پروتکل سرحدی در اسلامبول به امضاء رسید (ساسانی، 1352: 74) و کمیسیون چهارجانبه شروع به علامت‌گذاری سرحدات ایران و عثمانی کرد و در ظرف یک سال یعنی چند روز قبل از شروع جنگ جهانی اول به کار خود خاتمه داد. در حدود هزار کیلومتر از اراضی متعلق به ایران واقع در شمال و جنوب قصرشیرین به دولت عثمانی واگذار شد. در اراضی مزبور بعدها معادن نفت مهمی کشف گردید و امروزه قسمت عمده‌ی صادرات نفت عراق از چاه‌های نفت خانه و خانقین تأمین می‌شود (هوشنگ مهدوی، 1364: 298-299).

### 3. مشخصات ظاهری نسخه خطی

نسخه خطی «کتابچه دستورالعمل راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی»، بدون ذکر نام نویسنده، در سال 1309 ه.ق به زبان فارسی و به خط نستعلیق تحریری نگاشته



شده است. این نسخه با شماره‌ی 29555-IR10 و محل و شماره بازیابی 117350 در قطع 6\*14 در 66 صفحه با ذکر شماره صفحات در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخه به فصل‌هایی تقسیم‌بندی شده است. مقدمه، حدود بلوکات سرحدیه کرمانشاهان، حدود بلوکات سرحدیه کردستان، بلوک مریوان، بلوک بانه، استدلال ایران بر ادعاهای درویش پاشا، محاکمه بیانات درویش پاشا و اطلاع (توصیه به امیرنظام). این کتابچه از تهران جهت استحضار امیرنظام<sup>1</sup> والی کرمانشاه، کردستان، صاین قلعه<sup>2</sup> و گروس فرستاده شده که محرمانه بوده و در مواقع ضرورت و لزوم با مراجعه به فحوا و راهنمایی‌هایی که در آن شده، برای حفظ حدود و احقاق حق ایران اقدام و در جواب ادعاهای مأمورین عثمانی استفاده نماید.

#### 4. بررسی محتوای نسخه خطی

این کتابچه در واقع یک سند مهم سیاسی و نقشه جغرافیای طبیعی تمام خط سرحدی است با وضوح و روشنی کامل از نام قراء و قصبات و اوضاع محلی هرکدام و کوه‌ها و دره‌ها و دشت‌ها و صحراها و مراتع و سرچشمه و منبع و مسیر نهرها و قشلاق و بیلاق عشایر که کوچک‌ترین و جزئی‌ترین موارد مرزی آمده و حتی بعضی مدارک و اسناد عثمانی‌ها مانند گزارش درویش پاشا را جزءبه‌جزء مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و عین عبارات ترکی را با ترجمه‌ی فارسی آن‌ها آورده و به ردّ و نقض نظریات آن‌ها تحت عنوان «محاکمه بیانات» پرداخته است.

#### 4-1. مسائل سرحدی

محتوای اصلی نسخه خطی، مسائل سرحدی و مناطق مورد دعاوی سرحدی دو کشور است. به امیرنظام یادآور می‌شوند، از آنجایی که ایالت‌های کرمانشاه و کردستان با

1 - حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی از جمله رجال دوره ناصری و مظفری است. او فرزند محمدصادق خان کیبوند است. اجداد وی از زمان صفویه ریاست و فرماندهی فوج سواره‌ی گروس و زرین‌کمر را داشتند. حسنعلی‌خان امیرنظام در عهد محمدشاه (1250-1264 ه.ق) مغضوب حاج میرزا آقاسی و نزدیکان شاه بود، با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه (1264-1313 ه.ق) مقامات و مأموریت‌های مهمی کسب کرد. در سال 1309 ه.ق در واقعه‌ی رژی مردم را سرکوب نکرد، وی در این زمان منصب پیشکاری ایالات آذربایجان و کارگزار کل دستگاه مظفرالدین میرزا ولیعهد را داشت، به همین دلیل از مقامش برکنار شد. در تهران دو ماه بیکار بود و بعد او را به ایالت کردستان و کرمانشاهان و گروس فرستادند و در پنجم جمادی‌الاول 1309 ه.ق حکومتش در این منطقه رسمیت یافت و تا سال 1314 ه.ق حاکم این مناطق باقی ماند (سلطانی، 1373: 377-379).

2 - شاهین‌دژ فعلی

خاک عثمانی مجاور و همسایه است، رعایت برخی مواد و نکاتی از هر لحاظ دارای اهمیت بسیاری است. باید اطلاعات کامل در مورد بلوکات متعلق به ایالت‌های مزبور را داشته باشد و خط حدود حقیقی دو کشور را بشناسد. به همین دلیل خط حدود هرکدام به انضمام برخی مواد راجع به آن که کاملاً مهم است در کتابچه آمده و به‌طور محرمانه نزد امیرنظام فرستاده می‌شود که در صورت اقتضاء آن را رعایت نماید (کتابچه دستورالعمل: 2).

خط حدود مابین ایران و عثمانی می‌بایست موافق فصل‌های دوم و سوم عهدنامه ارزنه‌الروم<sup>1</sup> مورخ سال 1263 ه.ق معین می‌شد که در این دوره هنوز توسط دولت‌های روس و انگلیس تعیین نشده بود و تا تعیین خط مزبور قرار به رعایت اوضاع قبلی شده بودند؛ یعنی هر جا که در حین عقد معاهده مزبور، خصوصاً در ایام مأموریت وکلای دول چهارگانه ایران و عثمانی و روسیه و انگلیس در سرحد که از سال 1265 ه.ق تا 1268 ه.ق بوده، در تصرف هر طرف بوده است کماکان به همان صورت باقی بماند و بعد از آن نیز به‌موجب قرارنامه مخصوص مورخ 26 ربیع‌الثانی 1286 ه.ق بین دو دولت رعایت قواعد قبلی مجدداً تأکید شده، ولی هیچ‌گونه علامتی برای نشان دادن خط سرحدی معین نشده بود. بدین‌جهت وظیفه مرزداران طرفین تا تعیین خط حدود دو دولت رعایت قواعد قبلی است و در هنگام ایجاد اختلافات به تحقیقات محلی و تصرفاتی که در ایام مأموریت وکلای دول چهارگانه در سرحد به وجود آمده بود رجوع کنند و بر مقتضای آن عمل شود که در هنگام بروز اختلاف با حراست و احترام مأموریت خود را انجام دهند (کتابچه دستورالعمل: 3).

1 - فصل دوم و سوم عهدنامه ارزنه‌الروم: «قره دوم: دولت ایران تعهد می‌کنند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کنند و دولت عثمانی نیز تعهد می‌کنند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالی آن را مع دره کربند به دولت ایران ترک کنند و دولت ایران قویاً تعهد می‌کنند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف‌نظر کرده به حق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتاً من الاوقات یک‌طور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانیه نیز قویاً تعهد می‌کنند که شهر و بندر محمره و جزیرالخصر و لنگرگاه و هم اراضی شرقی یعنی جانب پيسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه‌ی معروفه ایران است به ملکیت در تصرف ایران باشد و علاوه بر این حق خواهد داشت که کشتی‌های ایران را به آزادی تمام از محلی که شط العرب به بحر منصب می‌شود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمدررفت نمایند. فقره‌ی سیم، دولتین متعاهدتین تعهد می‌کنند که به این معاهده حاضر و سایر ادعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلاتاخیر، مهندسین و مأمورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند» (مهندس باشی، 1348: 43-44).

در رابطه با تجاوزات عثمانی به خاک ایران موارد متعددی آمده است. به عنوان نمونه، در ایالت کرمانشاهان در مقابل ساخت یک قراول خانه برای طرد طایفه احمدوند و اشرار عشایر و حفظ امنیت معبر دربند خوانی که خراب و خالی از سکنه شده بود، عثمانی‌ها هفت قراول خانه ساختند و مکاتبات رسمی در این مورد مابین دو کشور انجام گرفت (کتابچه دستورالعمل: 12-13). در مواردی ایران برخی از اراضی را حاصلخیز می‌داند (مانند اراضی زهاب واقع در خانقین) با وجود اینکه در تصرف عثمانی است، اما بر اساس عهدنامه ارزنه‌الروم تعدی به آن را مجاز نمی‌دانند و به مناطقی که متعلق به ایران است اما در تصرف عثمانی هم هستند اشاره دارد (کتابچه دستورالعمل: 8 - 12 - 13).

#### 4-2. حدود مرزی بلوکات غربی ایران

در کتابچه دستورالعمل، ابتدا ایالت کرمانشاه و حدود مرزی و مناطق سرحدی آن تشریح شده است و بعد از آن بلوکات سرحدیه کردستان و سنندج و حدود آن‌ها به تفصیل آمده و به صورت مجزا، خطوط سرحدی بلوک مریوان و بانه نیز نگاشته شده است. مناطق مرزی کرمانشاه در غرب، شامل بلوک ایوان (مسکن کلهر منصور) و بلوکات پشته گیلان و دیره و کلین و قلعه شاهین (مساکن کلهر شهبازی) و بلوک زهاب است که تقریباً از جنوب به شمال این مناطق در کنار هم واقع شده‌اند. حدفاصل مشرق ایوان با زهاب، اراضی پشت کوه لرستان و میانه رودخانه کانی شیخ است و تمامی مراتع قشلاقی این بلوک از زهاب محل زندگی اغلب عشایر کرمانشاه در فصل زمستان بود که از منتهای غربی و جنوبی این بلوک‌ها شروع شده و منتهی به حدود عثمانی می‌شوند و موارد و مناطق مرزی از کوه و دشت و رودخانه به صورت جزئی نام برده می‌شود تا حدود این بلوک مشخص باشد (کتابچه دستورالعمل: 5). منطقه مرزی که در ایالت کرمانشاه مهم بود، زهاب بود که مطابق فصل دوم معاهده ارزنه‌الروم از شمال به جنوب شامل دشت و کوه می‌شد و به صورت تلویحی به این نکته اشاره دارد که قسمت غربی و دشت و هموار این منطقه در اختیار عثمانی قرار گرفته است که شامل بلوکات مهم و معتبری مانند خانقین، بُن کُدَره، روکه، قَلّه و حاجی قَرّه است که به وسیله رودخانه منشعب از قسمت چپ رود سیروان و رود الوند مشروب می‌شوند و اراضی شرقی کوهستانی در تصرف ایران است اما بلوک شمیران که در قطعه‌ی شمالی منطقه زهاب است و در دامنه کوه بلند پشت قلعه و در قسمت چپ رودخانه سیروان واقع شده است باید در اختیار ایران قرار می‌گرفت که در تصرف عثمانی بود (کتابچه دستورالعمل:

7-8). مناطقی که در تصرف عثمانی بود به دلیل تدابیر حکام این مناطق آباد بودند اما مناطق تحت تصرف ایران به آبادانی آن‌ها نبود و اهالی آنجا به خاطر تعدی حکام به خاک عثمانی رفته بودند و بیشتر این مناطق خالی از سکنه شده و محل عشایر و احشام جهت استفاده از مراتعش شده بود و زراعتی انجام نمی‌گرفت (کتابچه دستورالعمل: 13-14).

مناطق مرزی ایالت کردستان از سمت زهاب به طرف جوانرود، اورامان و مریوان و قطعه‌ی هفتاش، بلوک سنقر و بعد بلوک بانه است. چون بلوک جوانرود به رودی متصل نبود، جزئیات اراضی آن نیامده است اما بلوک اورامان با مسئله‌ی رود سیروان و کوه بلند شاهو و ارتفاعات آن از مسائل مرزی مهم بودند (کتابچه دستورالعمل: 17-18). کوه شاهو از جنوب بلوک اورامان به طرف مغرب آن است و آنچه به سمت مغرب است به طرف صحرای شهر زور عثمانی بود و به ملاحظه‌ی طبیعت کوه در اختیار ایران قرار گرفته بود (کتابچه دستورالعمل: 19).

بلوک مریوان عبارت از اراضی روستای آباد و پرایبی که در کنار دریاچه زریوار واقع بود و دهانه‌ی اصلی آن چشمه‌ای است که از زمین می‌جوشد اما از نظر مسائل ارضی این چشمه باعث ابهاماتی شده بود. این دریاچه بعد از مشروب ساختن مزارع واقع در حواشی خود ملحق به سیروان می‌شود و از اورامان می‌گذرد. رودخانه‌های قطاون و کاوان از مریوان گذشته به سیروان وارد می‌شدند که همه باعث مسائل مرزی با عثمانی شده بودند (کتابچه دستورالعمل: 20-21). بر روی نقاط مهم مریوان تأکید شده است و امیرنظام به دقت و مواظبت در انضباط عملی ساخلو (قلعه) شاه‌آباد در بلوک مریوان سفارش می‌شود؛ زیرا که قلعه شاه‌آباد برای حفظ امنیت بلوک مزبور و جلوگیری از تعدی عشایر آن منطقه و عبور و مرور عشایر همسایه خصوصاً سد راهی برای عشایر متمرّد جاف باشد<sup>1</sup> (کتابچه دستورالعمل: 23). فهرستی از روستاهای «سلیمان آقای

1 - قلعه شاه‌آباد از نقاط استراتژیک و مهم در سرحد مریوان بوده و همیشه مورد ادعای عثمانی بوده است، فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم کردستان در تاریخ محرم 1285 مق دربارهی دست‌اندازی کارگزاران دولت و مرزنشینان عثمانی به مرز کردستان و بخش مریوان در یک نامه به میرزاسعیدخان وزیر امور خارجه نوشته است که مأمورین در مراقبت زمین‌هایی که در آن سوی قلعه شاه‌آباد در تصرف دارند دست بالاگرفته و چندان زیاده‌روی دارند که تعمیر قلعه شاه‌آباد را که در داخل خاک مریوان است برخلاف خطوط مرزی می‌دانند و آن را جزو املاک «الیاس آقا» (از مالکان مرزنشین عثمانی و تبعه آن دولت) می‌دانند و استشهادی درست کرده‌اند و والی (امان‌اله خان) هم امضاء کرده است. عثمانی‌ها ادعا کرده‌اند که این قلعه جزو املاک «الیاس آقا» است و متعلق به آنهاست. دلیل آورده است که جای قلعه تا سرحد دو دولت نزدیک چهار- پنج فرسخ مسافت است، چگونه می‌شود که در آن‌ها چهار- پنج فرسخ حرف نباشد و در داخل مریوان حرف بزنند و به همین دلیل بود که به الیاس آقا نوشته شده است که با استشهاد محلی و گواهی حاکم که غرض شخصی داشته است هیچ کس املاک پادشاهی را به دیگری نخواهد داد. (صفایی، بی تا: 23-24 نقل شده از صفحه‌ی 18 کتاب اسناد محرمانه‌ی خطی از وزارت امور خارجه).

بابان» که در نزدیک مرز کردستان (در مریوان) بود، به تفصیل آمده است که قسمتی از آن‌ها توسط «حاج معتمدالدوله»<sup>1</sup> در تاریخ رجب 1285 ه.ق برای دولت ایران خریداری شده است و به امیرنظام سفارش می‌کند که این فهرست برای اطلاع وی نوشته می‌شود که در این حدود مراقبت لازم را منظور دارد (کتابچه دستورالعمل: 52 - 51). بلوک بانه عبارت از روستا و مراعی بود که از جنوب متصل به شیلر، نوخوان و از غرب منتهی به بلوک شهر بازار و سیول عثمانی و از شمال متصل به اراضی و بلوکات سردشت آذربایجان بود (کتابچه دستورالعمل: 24).

### 3-4. دعاوی مرزی درویش پاشا نماینده عثمانی در مأموریت تحدید حدود

در مورد درویش پاشا نماینده عثمانی در مأموریت تحدید حدود آمده است: «چون درویش پاشا مأمور عثمانی با آن‌همه خیالات دل‌خواهانه که در تعیین خط حدود داشته و سعی کرده است که به عنوانات مختلفه بعضی اراضی و بلوکات ملک طلق ایران را که من‌القدیم در تصرف ایران بوده است بخلاف فصل سیم عهدنامه اخیر برای عثمانیه ادعا نماید باز در حق همین بلوکات کرمانشاهان و کردستان در ضمن سیاحت نامه‌ی خود گاهی باراضی متصرف فیهای ایران یا عشایر ایران در ایام گردش حدود و قبل از آن اشاره و اعتراف کرده گاهی هم بخط حدود حالیه بعضی اشاره نموده است و این هر دو در معنی به موجب فصل سیم عهدنامه اعتراف است به ملکیت ایران در حق مواقع مزبوره...» (کتابچه دستورالعمل: 29). در ادامه سخنان و ادعاهای درویش پاشا و دلایل ردّ ادعاهایش در ذیل «محاکمات» با توضیح می‌آید. در چندین بار بیانات درویش پاشا به زبان ترکی می‌آید و در ادامه ترجمه آن به زبان فارسی و دلایل ردّ آن‌ها آمده است.

مناقشه‌ای که ابتدا به آن پرداخته شده و در ضمن سیاحت‌نامه درویش پاشا آمده است، «در حق تتمه اراضی سرحدیه کرمانشاهان که از مندلیج تا خانقین و از سومار تا یسار رود گیلان و رود الوند همگی از مقوله مراتع و قشلاقات متصرف فیهای عشایر ایران است فقط تفصیلی که درویش پاشا باکمال رعایتی که برای تحصیل اسباب ادعای آنجاها داشته در ضمن سیاحت‌نامه خود درج کرده است...» (کتابچه دستورالعمل: 30). درویش پاشا عدم پرداخت اجاره استفاده از مراتع اراضی عثمانی که توسط محمدعلی میرزا به تصرف درآمده

1 - فرهاد میرزا معتمدالدوله، حاکم کردستان

بود از سوی عشایر ایران را مطرح کرده بود که در «محاكمه» ادعاهای وی آمده که عدم پرداخت اجاره نشان‌دهنده آن است که آن اراضی جزو خاک ایران محسوب می‌شود (کتابچه دستورالعمل: 37) و محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه را عاملی برای اختلافات و مناقشات مرزی که به وجود آمده بود می‌دانست که اراضی عثمانی با حملات او در اختیار عشایر سنجابی و کلهر ایرانی قرار گرفته است (کتابچه دستورالعمل: 34-33).

در گزارش دوم ذیحجه 1268 ه.ق. درویش پاشا به مقام ناظر وزارت امور خارجه به حقانیت دعوی سرحدی ایران در منطقه‌ی اورامان که شامل هفده قطعه روستایی که در سلسله کوه اورامان نزدیک صحرای شهر زور بود اذعان دارد. دلیل قانع‌کننده‌ای برای ادعای عثمانی بر آن ندارد، «حال آنکه اگر به هیئت وضعیت کوه اورامان و لزوم قاعده تحفظ طرفین که در تعیین حدود بین الدولتین رعایت آن از واجبات است ملاحظه نماییم لازم می‌آید جانب غربی یک قطعه کوه مزبور که مواقع ناظر به ظلم قلعه از سلسله مزبوره به انضمام جهات غربیه یک قطعه کوه مزبور تا رود سیروان به قدر دو سه ساعت ممتد شده است کافه به طرف دولت عثمانیه بماند» و اما دوباره درویش پاشا اذعان می‌کند که این روستاها متعلق به ایران است، «زیرا از هر کس جويا شدیم گفتند من القديم دهات مزبوره را در تصرف ایرانی‌ها دیده‌ایم و شنیده‌ایم که مال ایرانی‌هاست»<sup>1</sup> (کتابچه دستورالعمل: 38-39).

آنچه در گزارش درویش پاشا آمده است اسامی روستاهای مناطق قزلجه و طره تول در نزدیکی مریوان را که تحت تصرف ایرانی‌ها بوده است نیز به‌طور کامل ذکر شده است<sup>2</sup> (کتابچه دستورالعمل: 42-41). بیانات درویش پاشا در سیاحت‌نامه‌اش حاکی از این است که به عهدنامه سلطان مراد در مورد سرحد بانه و کردستان تأکید دارد، اما بر اساس محاکمه بیاناتش، عهدنامه مزبور اصلاً وجود ندارد<sup>3</sup> و نه نقطه و خطی از بابت

1 - در سیاحت‌نامه چریکف، نام تعدادی از روستاهایی که در اورامان در سرحد عثمانی واقع شده‌اند، ذکر شده است: ویسا، ته تش دار، ده شیخ خان، دیزی، کرچل، خان دوعید، بلخا، نوسور، ناروی، شرکان (چریکف، 1358: 189).

2 - قلعه‌ی هاو، قلعه امیرآباد، روستای تومان و روستای ساووجی در منطقه مریوان در تصرف عثمانی‌ها بود (چریکف، 1358: 189-188) که در گزارش درویش پاشا از آن‌ها نام برده نشده است.

3 - فقط سواد نامه‌ای از سلطان مراد چهارم در تاریخ 1049 ه.ق به شاه صفی نوشته شد که اصل آن هم معلوم نیست وجود دارد و رونوشت آن هم نمی‌تواند ملاک تعیین و تسویه امور سرحدی باشد. میرزا جعفرخان مشیرالدوله هم به تأکید درویش پاشا بر مینا قرار دادن معاهده سلطان مراد اشاره دارد: «به‌طوری‌که از حرکت درویش پاشا و مکالمه‌ی آن در مجلس زهاب معلوم می‌شد، چشم طمع او به تمامی این بلوکات و مراتع است. بلی از فقره‌ی سیم قرارنامه اخیر ملغی و معاهده‌ی سلطان مرادی معتبر بوده، سوادی که اکنون به‌عنوان معاهده‌ی مزبوره در دست عثمانیه است مستمسک و مقبول طرفین باشد حق به‌جانب درویش پاشا خواهد بود. ولی مفاد بسیار روشن و صریح عهدنامه ارزنه الروم بین الدولتین که موافق فقره دوم قرارنامه‌ی اخیر به‌طور منصوص تعهد به تقسیم مخصوص آن نموده‌اند، عبارت از ایالتی است مشتمل به ...» (مهندس باسی، 1348: 107).

حدود این منطقه در ضمن آن مندرج نیست و اگر هم حاوی نقاط مطلوب او هم بود معتبر و قابل استناد نبوده است؛ زیرا فصل دوم و سوم عهدنامه‌ی ارزنه الروم تمامی احکام حدود و عهدنامه‌ی مزبور و سایر عهدنامه‌های گذشته را کاملاً منسوخ نمود و هیچ‌گونه اعتباری برای آن حدود باقی نمی‌گذارد (کتابچه دستورالعمل: 50)؛ که این دلایل «بر بطلان ادعای او در بلوک بانه هم به اختصاص ملکیت بانه به ایران و هم اینکه مقصود درویش پاشا مأمور عثمانی در ایام گردش او با وکلای دول ثلثه در سرحدیه رعایت هیچ‌گونه عهد و شرطی نبوده مگر اینکه خود احتراماً به دلخواه خویش خط حدودی انتخاب و تکلیف کرده و دولتین علیتین اسلام را گرفتار مباحثات در نتیجه معاضدت دلخواهانه خود نماید.» (کتابچه دستورالعمل: 51).

#### 4-4. چهار مسئله مهم مرزی

در نسخه خطی ذیلی با عنوان «مواد و ملاحظات راجع بیعض بلوکات» در چهار قسمت آمده است که علاوه بر مسائل مرزی بسیاری از اطلاعات اقتصادی و اجتماعی در بطن آن وجود دارد (کتابچه دستورالعمل: 64-53). مورد اول، مسئله آب صومار است که گاهی مابین اهالی مندلیج و خوانین کلهر منصوری باعث گفتگو و مشاجره می‌شد و با بلوک ایوان آغاز می‌شود که یکی از بلوکات معتبر کرمانشاهان و مشتمل به روستاها و مزارع کلهر منصوری و مخصوص نشیمن آن‌ها بوده است به‌طور مفصل به اجاره‌ی اراضی این منطقه و حق آب و اختلاف در مبلغ وجه اجاره پرداخته است<sup>1</sup> (کتابچه دستورالعمل: 58-53).

مورد دوم، مسئله‌ی درّه نظرعلی و آغاز کشت و زرع در آنجا و احداث حصار نسیم یهودی برای اسکان زارعین در قسمت چپ رود الوند نزدیک به رودخانه است که حصار مزبور تبدیل به قراولخانه شده بود که همه از جمله احداثاتی بود که بیست سال بعد از مأموریت وکلای دولت‌های چهارگانه در سرحد برخلاف خط سرحدی قبلی، مداخله و احداث شده بودند که باعث شکایت دولت ایران از سفارت کبرای عثمانی شد و به امیرنظام سفارش می‌شود که در این‌گونه موارد سرحدی حق دولت ایران را رعایت و بر

1 - میرزا جعفرخان مشیرالدوله هم به این موضوع اختلاف آب بین مندلیج و ایران اشاره دارد: «آب مندلیج منحصر به رودخانه‌ی کنگیر است که به واسطه‌ی گذشتن آن از پهلوی قریه صومار به رودخانه‌ی صومار هم تعبیر می‌شود و بدین‌جهت سال‌هاست که اهل مندلیج سالی پانصد تومان به‌عنوان قیمت آب مزبور به ضابط بلوک ایوان می‌دهند که مانع از جریان آب مزبور به مندلیج نشوند» (مهندس باشی، 1348: 105).

اساس قواعد و صیانت حکم نماید (کتابچه دستورالعمل: 58-59).

مورد سوم، مسئله کانی‌بز است که ضمیمه درّه نظرعلی است که هر دو اختلاف درهم‌تنیده شده بود. کانی‌بز اسم سرچشمه‌ای در جانب شمال غربی شاه کوه است، در ایام مأموریت وکلای دول چهارگانه در سرحد، عثمانی‌ها در محل مزبور مداخله و زراعتی نداشتند و بعد از مداخله به درّه نظرعلی به تدریج به تصرفات خود اضافه نمودند و در کانی‌بز هم بنای مداخله و احداث زراعت دیمی یا آبی و احداث قراولخانه نیز نمودند. بدین جهت اولیای دولت ایران احداث‌های واقع در این محل را داخل در مباحثات بین دو دولت نمودند و این‌گونه تعبیر شد که گویا درّه نظرعلی و کانی‌بز و موقع قراولخانه و حصار احداثی نسیم یهودی هر سه از یک نوع هستند و حال آنکه چنین نبود و هریکی محل جداگانه و دور از یکدیگر ولی هر سه در تحت حکم واحد و داخل شکایت دولت ایران بودند که دستور به تحقیقات بیشتر برای این قضیه داده شد (کتابچه دستورالعمل: 60-61).

مورد چهارم، مسئله راجع به معدن نفت مندلیج و اراضی و مراتع واقع در حواشی و منابع رودخانه نفت است. بر اساس بیانات مشیرالدوله<sup>1</sup> معدن نفت متعلق به ایران است و مأمور دولت ایران در مجالس کمیسیون مختلط دولت‌های چهارگانه در استانبول داخل حدود دولت ایران آن را قلمداد نموده است اما ایران به خاطر عدم اطلاع در چند سال گذشته از حدود این قسمت و برخی اقدامات غافلگیرانه عثمانی‌ها تمامی این اراضی به انضمام تمامی چشمه‌های معدن نفت به تدریج به تصرف عثمانی‌ها درآمد که عمداً این تصرف اغماض شد و دیگر مدرکی در دست نبود که پیگیری شود و اگر سرحدداران مؤاخذه می‌شدند برای اصلاح خطای خودشان می‌گفتند «من القدیم همگی خاک عثمانیه و در تصرف عثمانی بوده است.» و به همین دلیل به امیرنظام دستور داده می‌شود «مقدماً حالت مراتع مرقومه در فوق را از مردمان آگاه معتبر تحقیق فرمود چگونگی را به اولیای دولت علیه اطلاع بدهند و بعد حالت تتمه اراضی واقعه در میان منابع رودخانه نفت و همچنین حالت اراضی واقعه در یسار رودخانه مزبوره را (مشرق آن را) تا مغرب درّه

1 - بیانات مشیرالدوله در مورد معدن نفت: «رودخانه‌ی کنگیر ... به تبعیت رشته‌ی جبل الامر حرکت کرده، پس از تمام شدن آن رشته از رودخانه‌ی نفت گذشته بذروه‌ی جبل نفت برمی‌خورد به وضعی که موافق تصرف امروزه و طرفین‌های نفت طرف شمال را متعلق به دولت ایران و طرف مغرب و جنوب را متعلق به دولت عثمانی می‌سازد...» (مهندس باشی، 1348: 107-106).



رودخانه ایوان رسید که فرموده با عقاید خاصه خود در باب حفظ حقوق دولت علیه در حق آن‌ها مفصلاً مرقوم دارند تا به مقتضای آن اولیای دولت علیه نیز مسلک مستقیمی در این باب‌ها تدبیر و پیشنهاد نمایند.» (کتابچه دستورالعمل: 62-64).

## 5. اطلاعات اقتصادی و اجتماعی

در این کتابچه به اطلاعات اقتصادی و زراعی، جمعیتی و اجتماعی نیز می‌توان دست یافت که بی‌ارتباط با مسائل امنیتی منطقه نیست. به‌عنوان نمونه چه محصولاتی در چه مناطقی کاشته می‌شد و یا اینکه مناطقی که در اختیار عشایر بوده است و به دلیل عدم کشت و زرع، غیرقابل اسکان شد (کتابچه دستورالعمل: 15) و برخی روستاها در منطقه زهاب با این‌که اراضی خوبی هم داشتند به دلیل بی‌قیدی حکام و تعدی آن‌ها، رعایا و روستاییان تدریجاً به خاک عثمانی فرار کرده‌اند و سبب آبادی عثمانی و خرابی بلوکات سرحدیه‌ی ایران شده‌اند و اغلب اهالی این حوالی که جزو عشایر بودند خرابی این منطقه را وسیله کثرت مراتع برای خودشان می‌دانستند و در پی زراعت و گسترش آن نبوده‌اند<sup>1</sup> (کتابچه دستورالعمل: 14) و نام برخی از قریه‌ها و تعلق آن‌ها به اشخاص و قبایل ذکر شده است (کتابچه دستورالعمل: 43-45). در رابطه با ایل کلهر در کرمانشاه، اطلاعات مفید و معتبری می‌توان در این کتابچه یافت. از موقعیت جغرافیایی، جغرافیای تاریخی، حدود مرز جایگاه ایل، از نظر اقتصادی، اجتماعی، کشت و زرع، مالیات که در تحقیقاتی که راجع به این ایل صورت می‌گیرد، می‌توان بهره فراوان برد (کتابچه دستورالعمل: 53-58).

اطلاعاتی در مورد مالیات‌گیری و اینکه اهالی روستاها ممکن بود مالیاتشان را به جاهای مختلف بپردازند، مانند قریه‌ی امیرآباد که متعلق به فردی به نام «الیاس آقا» بود که همراه با روستاهای مجاور که قسمتی از آن‌ها با اینکه تبعه‌ی عثمانی بودند یک عشر را به مریوان و نیم عشر را به مالک و بقیه به شهر زور تعلق می‌گرفت (کتابچه دستورالعمل: 43) و قریه‌ای دیگر که مالیات به صورت جنسی و نقدی و مابقی آن هم متعلق به رعیت بود (کتابچه دستورالعمل: 43) و روستاهای دیگر که در جانب سلیمانیه

1 - بعضی از طوایف مانند کلهر و گوران که ذخیره و تهیه برای زمستان جمع‌آوری نمی‌کردند در فصل زمستان به طرف خانقین و بعقوبه می‌رفتند که گله‌های گوسفند را بچرانند (چریکف، 1358: 150).

هستند و مابین خاک عثمانی و ایران هرکدام میزان مالیاتشان مشخص شده است که به طرف‌های عثمانی و ایرانی چه مبلغی پرداخت شود (کتابچه دستورالعمل: 43-45).

### 6. توصیه به امیرنظام

در این کتابچه به امیرنظام سفارش می‌شود که علاوه بر تنظیم امور لشکری و کشوری و موارد مربوط به امور خارجه و رعایت مواد عهدنامه‌هایی که دولت ایران با دولت‌های دیگر منعقد کرده است، آداب حسن معاشرت را با تبعه و مأمورین آن‌ها بر اساس رموز مملکت‌داری و حکمرانی و حفظ روابط حسنه انجام دهد (کتابچه دستورالعمل: 1). در پایان کتابچه نیز توصیه می‌شود: «از جمله امور مهمه یکی هم اینست راهها و نگهبانی طرق و شوارع است که قوافل و تجار داخله و خارجه و عموم مترددین و مسافرین علی‌الخصوص زوآر مشاهد مقدسه ائمه طاهرین علیهم السلام بکمال امنیت و آسودگی تردد نمایند.» سرحدداران افرادی درست‌کار باشند و در تکلیف خود در امنیت مسافرین «اطفاء نوائر فتنه» اهتمام داشته باشند که «شریک دزد و رفیق قافله نباشند» و از خاک همسایه بی‌خبر نبوده زیرا که اغلب دزدی‌ها و غارت‌ها از عشایر و اشرار سرحد‌های طرفین است که باهم مرادده دوستانه دارند که به واسطه‌ی جاسوسان امین و هوشیار از خیالات اشرار همسایه مستحضر و باخبر هستند و اگر شرارتی احساس نمودند فوراً به سرحدداران اطلاع دهند تا زوآر و قوافل تحت‌الحفظ مستحفظین و سرحدداران دو دولت باشند و به امیرنظام سفارش می‌شود این دستورالعمل‌ها را به سرحدداران دولت ایران اطلاع دهند که در اجرای تکالیف خود هیچ‌گونه فروگذاری نکنند و همیشه اخبار حاصله سرحدی را فوراً به ایشان اطلاع دهند و برحسب اقتضا کسب تکلیف نمایند که در صورت کوتاهی مورد مجازات سخت خواهند بود تا بدین واسطه امنیت کامل برقرار شود (کتابچه دستورالعمل: 64-66).

### نتیجه‌گیری

سرحدات دوره کنونی ایران با همسایگان در غرب کشور بر اساس عهدنامه‌ها و پروتکل‌هایی است که عمدتاً در عصر قاجار بر اساس توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها نگاشته شده‌اند. این مرزها همواره با مشکلات فراوان امنیتی و نظامی همراه بود. بررسی و معرفی نسخه‌های مرتبط و

آشنایی با آن‌ها مسائل مرزی و مشکلات امنیتی دوره تاریخی خود را نشان می‌دهد. در پژوهش‌های مرزی و جغرافیایی این (نسخه خطی) «کتابچه» به همراه «رساله تحقیقات سرحدیه» میرزا جعفرخان مهندس باشی (مشیرالدوله) مکمل هم هستند با این تفاوت که این کتابچه به صورت مفصل به سرحدات غربی کشور پرداخته است. کتابچه دستورالعمل به منظور مسائل امنیتی و سیاسی در سال 1309 ه.ق نگاشته شده است که در اختلافات سرحدی بین ایران و عثمانی به جزئی‌ترین مسائل پرداخته و مناطق سرحدی غرب ایران را بین دو کشور ترسیم کرده است. این کتابچه راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی، جهت ملاحظات مرزی و امنیتی و احقاق حق ایران و جلوگیری از تجاوز عثمانی به خاک ایران و بروز هرگونه دعاوی مرزی از سوی عثمانی و مهم‌تر از همه نشان از توجه به روند انجام مذاکرات و دیپلماسی ایران در باب امنیت و توجه آگاهانه به مرزهای مربوطه بود. کتابچه مذکور در واقع برای راهنمای حاکم غرب کشور ارسال شده بود که در این کتابچه حدود ایالات و مناطق، به صورت جزئی برای جلوگیری از شائبه‌ای در مسائل مرزی آمده و با جغرافیای طبیعی مناطق توضیح داده شده است. مشکلات خاص نواحی مرزی و از جمله مسائل اجتماعی و اقتصادی که بر امنیت مرزهای موجود مؤثر واقع می‌شد، حدود مرزها و بلوکات و جغرافیای منطقه، تذکرات به‌جا و لازم به امیرنظام گروسی در مورد مسائل حقوقی مرتبط با اختلافات مرزی ایران و عثمانی از مفاد مهم این کتابچه ارزشمند است. مسئله دیگری که در این کتابچه به‌درستی به آن اشاره شده است رعایت حال رعایا و عدم تعرض به آن‌ها در مالیات‌گیری و برنامه‌هایی جهت آبادانی مناطقی که در اختیار حکام است تا رعایا سرزمین ایران را به‌قصد عثمانی ترک نکنند. اگرچه هدف اصلی کتابچه سیاسی و امنیتی و عدم تجاوز و ادعای مأمورین عثمانی به خاک ایران بوده است، اما با مطالعه آن می‌توان به بسیاری از اطلاعات و نکات اجتماعی، اقتصادی و معیشتی نیز دست یافت. از حیث پژوهش‌های جغرافیایی تاریخی احتمالاً اسامی بسیاری از مکان‌ها که تا به امروز تغییر یافته و روستاهایی که قبلاً وجود داشته و اینک نیستند و یا روستاهایی که بعدها به وجود آمده‌اند و از آن‌ها نامی برده نشده است، در این رساله وجود دارد و از این حیث اطلاعات بسیار ارزنده و ذی‌قیمتی را که از جانب دولت ایران ارائه شده بود، در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

## منابع

- آدمیت، فریدون (1334)، امیرکبیر و ایران، تهران، امیرکبیر.
- آوری، پیتیر (1384)، تاریخ ایران (دوره‌ی افشار، زند و قاجار) (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران، جامی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (بی‌تا)، تاریخ منتظم ناصری، ج 3، مصحح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- ساسانی، خان ملک (1354)، یادبودهای سفارت استانبول، بابک.
- ساسانی، خان ملک (1353)، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، بی‌جا، هدایت.
- سپهر، محمدتقی، (بی‌تا)، ناسخ التواریخ، ج 3، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- سلطانی، محمدعلی (1373)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج 3، تهران، سپها.
- شمیم، علی‌اصغر (1374)، ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری، تهران، مدبر.
- چریکف (1358)، سیاحت‌نامه‌ی مسیو چریکف، ترجمه‌ی آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- صفایی، ابراهیم (بی‌تا)، مرزهای ناآرام، انتشارات اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- کتابچه‌ی دستورالعمل راجع به اختلافات سرحدی ایران و عثمانی به والی کرمانشاه و کردستان، (1309 ه.ق)، شماره‌ی IR10-29555، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- مارکام، کلمنت (1367)، تاریخ ایران در دوره‌ی قاجار، ترجمه‌ی میرزا رحیم فرزانه، چاپخانه‌ی آسمان.
- معتمد، محمود فرهاد (بی‌تا)، تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی، بی‌جا، انتشارات کتابخانه‌ی ابن‌سینا.
- مهندس باشی، میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله (1348)، رساله تحقیقات سرحدیه، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (1364)، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)، تهران، امیرکبیر.
- نصیری، محمدرضا (1372)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، جلد 4، کیهان.
- Richard N. Schofield, "BOUNDARIES v. With Turkey," Encyclopaedia Iranica, IV/4, pp. 416-418, available online.
- Shaw, Stanford Jay, shaw, Ezel Kural, (1977), history of the Ottoman empire and modern Turkey, vol 2, New York, Cambridge university press.